

تأثیر عوامل خطر تقلب بر تعدیل برنامه حسابرسی

محمود نجف لو^۱مصطفی زنگی آبادی^۲پرویز غلامی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۰

چکیده:

به دلیل حساسیت افراد جامعه نسبت به تقلب و آثار آن و لزوم توجه بیشتر حسابرسان به عوامل خطر تقلب، در تحقیق حاضر عکس العمل حسابداران رسمی نسبت به وجود عوامل خطر تقلب و تعدیل در برنامه حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور اطلاعات مورد نیاز جهت تجزیه و تحلیل از طریق پرسش نامه استاندارد که روایی آن توسط اساتید خبره تأیید گردید و پایایی آن طبق آزمون کرومباخ ۸۶ درصد می‌باشد، جمع آوری شده و نمونه آماری مورد نظر از میان حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی، انتخاب گردیده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار، SPSS، مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مهم‌ترین عوامل خطر تقلب مربوط به ویژگی‌های مدیریت می‌باشد و کم اهمیت‌ترین آن‌ها، مربوط به شرایط مالی و شرایط تأمین مالی واحد مورد رسیدگی است. همچنین نتایج تحقیق حاکی از آن است که حسابرسان در مواجهه با عوامل خطر تقلب در اغلب موارد میزان روش‌های حسابرسی را افزایش می‌دهند و کمتر، ماهیت و زمان‌بندی روش‌های حسابرسی را تغییر می‌دهند.

کلمات کلیدی: تقلب، روش‌های تقلب، عوامل خطر تقلب، مسئولیت حسابرس در برابر تقلب.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابرسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول)
Mahmoud.najafloo@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابرسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران
۳- کارشناسی ارشد حسابداری

۱- مقدمه

گزارشگری مالی در واحدهای اقتصادی بازتاب نیازهای اطلاعاتی و انتظارات گروه‌های مختلف استفاده کننده از صورت‌های مالی است که برای اتخاذ تصمیمات منطقی در زمینه‌های تخصیص بهینه منابع اقتصادی و ارزیابی عملکرد مدیریت و به عبارت دیگر، اعمال نظارت و کنترل‌های اقتصادی-اجتماعی، خواستار اطلاعات حسابداری هستند (بینیانه تئوری بنیادی حسابداری^۴، ۱۹۶۴). به دلیل اینکه صورت‌های مالی، صرفاً تحت نظر و مسئولیت مدیریت تهیه می‌شوند، نمی‌توانند با بی‌طرفی و سطح اطمینان قابل قبول، نیازهای اطلاعاتی مختلف استفاده‌کنندگان را برآورده نمایند. موضوع تقلب و به ویژه صورت‌های مالی متقلبانه از دیرباز تاکنون مورد توجه استفاده‌کنندگان و حسابرسان بوده است، و به خصوص پس از بروز رسوایی‌های بزرگ مالی و حسابداری در داخل کشور از جمله اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی و تخلفات بزرگ مالی خارجی، همچون شرکت‌های ورلداکام^۵، انرون^۶، آدلفیا^۷، گلوبال کروسینگ^۸، تیکو^۹ و لمن برادرز^{۱۰} که موجب نوسان در بازار سهام، سلب اعتماد عمومی و بروز زیان‌هایی جبران ناپذیر بر سرمایه‌گذاران گردید ضرورت رسیدگی به صورت‌های مالی شرکت‌ها توسط حسابرسان برای کشف تقلب احتمالی در راستای حفاظت از منافع استفاده‌کنندگان بیش از پیش مشخص شد (فرقاندوست حقیقی و برواری، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

تقلب یک معضل و مساله عمده است. انجمن بازرسان تقلب آمریکا^{۱۱} هزینه ناشی از تقلب سالانه این کشور را در سال ۲۰۰۸ حدود ۹۹۴ میلیارد دلار را اعلام می‌کند (انجمن بازرسان تقلب آمریکا، ۲۰۰۸). گزارشگری مالی متقلبانه ابعاد بسیار گسترده تری دارد، آثار غیر مستقیم بر فعالان همراه با سلب اعتماد از گزارشگری شرکت‌ها و بازارهای مالی است (پرلوس و لوگی^{۱۲}، ۲۰۱۱). همچنین گزارشگری متقلبانه اعتماد را از جامعه تجاری و حرفه حسابداری سلب می‌کند و انتظارات استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از عملکرد حسابرسان را بالاتر برده است بطوریکه آنان انتظار دارند حسابرسان تقلب‌های با اهمیت را کشف و گزارش کنند چنانچه حسابرسان در کشف تقلب قصور ورزند شکاف انتظارات بین استفاده‌کنندگان و عملکرد حسابرسان عمیق تر خواهد شد حرفه حسابداری اگر می‌خواهد خدماتش را ماندنی و با ارزش کند باید این شکاف را باریک‌تر کند (ریتنبرگ و شوایگر^{۱۳}، ۲۰۰۵).

- 4- A Statement of Basic Accounting Theory
- 5- worldcom
- 6- Enron
- 7- Adelfia
- 8- Gloal crossing
- 9- Tyco
- 10- Lehman Brothers
- 11- Association of Certified Fraud Examiners
- 12- Perlos and Lougee
- 13- Rittenberg and Schwieger

۲- تعریف تقلب

تقلب، عبارتست از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی. هرچند تقلب یک مفهوم قانونی گسترده دارد، اما آنچه به حسابرس مربوط می‌شود، اقدامات متقلبانه‌ای است که به تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی می‌انجامد (استانداردهای حسابداری، بخش ۲۴، ۱۳۸۴).
انجمن بازرسان تقلب آمریکا، تعریفی فراگیر از تقلب را پذیرفته و می‌گوید: «تقلب دربرگیرنده تمامی ابزار گوناگونی که ساخته انسان است و یک فرد با استفاده از آن مزیتی را نسبت به دیگری از طریق توصیه‌های دروغین یا کتمان حقیقت کسب می‌کند و شامل تمام رویدادهای ناگهانی، ترفندها، حيله گری‌ها یا مخفی کاری‌ها و دیگر راه‌های غیر منصفانه برای فریب دیگری است.» (انجمن بازرسان تقلب آمریکا، ۲۰۰۲).

۳- طبقه بندی انواع تقلب

گزارشگری مالی متقلبانه به معنای تحریف یا حذف مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی به عمد و به منظور فریب استفاده کنندگان صورت‌های مالی، که شامل موارد زیر است:
✓ فریبکاری از قبیل سند سازی و دستکاری یا تغییر سوابق حسابداری یا مدارک پشتوانه تهیه صورت‌های مالی.
✓ ارائه نادرست یا حذف عمدی رویدادها، معاملات یا سایر اطلاعات با اهمیت در صورت‌های مالی.
✓ بکارگیری نادرست استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا به عمد.

سوءاستفاده از دارایی‌ها که شامل سرقت دارایی‌های واحد مورد رسیدگی است و می‌تواند به راه‌های گوناگون انجام شود و اغلب به منظور پنهان کردن سرقت دارایی‌ها، با سوابق یا مدارک ساختگی یا گمراه‌کننده همراه است و شامل اختلاس دریافت‌ها، سرقت دارایی‌های ثابت مشهود یا نامشهود یا پرداخت وجه نقد از بابت کالا و خدماتی که دریافت نشده است، می‌باشد (استانداردهای حسابداری، بخش ۲۴، ۱۳۸۴).

۴- دلایل ارتکاب تقلب

انگیزه/ فشار

بسیاری از مشکلات و سختی‌ها در مواجهه با مشکلات مالی ایجاد می‌شود، اگرچه مشکلات غیرمالی مانند لزوم گزارش نتایج نسبت به عملکرد واقعی، پیش بینی درآمدها، معروفیت یا طمع ورزی نیز می‌توانند به عنوان انگیزه ای برای ارتکاب تقلب مطرح باشند (وکیلی فرد و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

توجیه/ دلیل تراشی

افرادی که مرتکب اعمال متقلبانه می‌شوند، قادر به توجیه عمل خود هستند و بعضی از این افراد

دارای نگرش، ویژگی یا مجموعه‌ای از اصول اخلاقی هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا آگاهانه و عمداً تخلفاتی را مرتکب شوند.

□ ۵- فرصت‌های به دست آمده به دلیل کنترل ضعیف

فرصت یافتن برای ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی، شامل عواملی مانند هیئت مدیره ضعیف، کنترل‌های داخلی ضعیف و ناکافی یا توانایی مدیریت برای زیرپا گذاشتن کنترل‌ها وابسته است (راموس^{۱۴}، ۲۰۰۳).

به استناد تئوری کارگزاری، مدیران ممکن است برای نشان دادن رو به رشد بودن شرکت و فرضیه منفعت شخصی اقدام به تقلب نمایند. این رفتار ممکن است تحت تأثیر این واقعیت باشد که سهامداران نمی‌توانند تمامی اعمال مدیران را مشاهده کنند. بنابراین رفتار تقلب آمیز مدیران به وسیله یک سیستم نظارتی اثربخش می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد و یک سیستم نظارتی غیر کارا انگیزه درگیر شدن در فعالیت‌های تقلب آمیز را برای مدیران فراهم می‌کند. هم چنین شرایط خارجی نیز ممکن است در سازمان موجب رفتار تقلب آمیز گردد (ساکسانا^{۱۵}، ۱۹۹۷).

از عوامل دیگری که در تحقیقات اخیر به عنوان علل تقلب در صورت‌های مالی توسط مقامات اجرایی ذکر شده‌اند، می‌توان به پیچیدگی ساختار سازمانی و معاملات مالی، افزایش فرآیندهای تکنولوژیک حسابرسی، و رقابت شدیدتر در بین شرکت‌های حسابرسی اشاره کرد (شو^{۱۶}، ۱۹۹۵).

□ ۶- مسئولیت حسابرسان در برابر تقلب

برخورد حسابرسان با تقلب موضوع جدیدی نیست و استانداردهای حسابرسی نیز به صراحت به آن اشاره کرده‌اند. براساس استاندارد حسابرسی شماره یک آمریکا، حسابرس باید به اطمینان معقولی مبنی بر عاری بودن صورت‌های مالی از تحریف با اهمیت ناشی از اشتباه و یا تقلب دست یابد. در مقدمه مجموعه نه استاندارد منتشر شده توسط هیئت استانداردهای حسابرسی آمریکا^{۱۷} نیز به این مورد اشاره کرده و اعلام می‌دارد که پس از گذشت چندین سال، سرانجام، مسئولان مالی، مؤسسات بزرگ حسابداری و اعضای کنگره توجه خود را به کیفیت گزارشگری مالی و حسابرسان مستقل معطوف داشته و به همین خاطر، اعضای هیئت استانداردهای حسابرسی، برای پرداختن به خواسته مذکور و تغییر در انتظارات جامعه از نقش و مسئولیت‌های حسابرسان مستقل تعداد نه استاندارد را در چهار دسته تقسیم کرده‌اند که بر اساس اهمیت آن‌ها اولین دسته با عنوان «ممانعت از تقلب و اقدامات غیر قانونی» ارائه شد (خانی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

نوسان مسئولیت حسابرسان در مورد کشف تقلب را می‌توان به پنج مرحله تقسیم کرد (ادهمی و

14- Ramos

15- saksana

16- Shaw

17- Accounting Standards Board

خواجوی، ۱۳۹۰، ص ۳۵-۳۴):

۱. پیش از سال ۱۹۲۰ کشف تقلب به عنوان هدف اولیه و اصلی حرفه حسابرسی شناخته می‌شد. این مطلب با بررسی متون حسابرسی آن زمان کاملاً آشکار می‌شود.
۲. در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ رشد اقتصادی آمریکا امکان انتقال توسعه حسابرسی را از انگلستان به آمریکا به وجود آورد. در سال‌های احیای مجدد بعد از سقوط بورس وال استریت^{۱۸} در سال ۱۹۲۹، سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری به سرعت گسترش یافت. وجود بازارهای اوراق بهادار توسعه یافته و مؤسسات تضمین‌کننده اعتباری نیز این رشد را تضمین کرد. با بزرگ‌تر شدن ابعاد شرکت‌ها، جدایی مدیریت از مالکیت در این دوره سرعت یافت. بدین ترتیب حرفه حسابرسی رفته رفته اهمیت کم‌تری برای کشف تقلب قائل شد و اجماع عمومی نسبت به تغییر رویکرد حسابرسی از کشف تقلب به اعتبار بخشی صورت‌های مالی به وجود آمد.
۳. در پایان سال ۱۹۶۰، حرفه حسابرسی وظیفه کشف تقلب را به طور کامل انکار کرد. این تغییر هدف حسابرسی به دلیل پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران جدیدی بود که دیدگاهشان نسبت به صورت‌های مالی تغییر کرده و به جای آن که صورت‌های مالی را به عنوان مدارکی منعکس‌کننده مباشرت مدیران نسبت به منابع و سرمایه خود به حساب آورند، آن را مستندات برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود می‌شناختند. در نتیجه، تمامی توجهات بر روی منصفانه بودن صورت‌های مالی، که وضعیت مالی و عملکرد شرکت را نشان می‌داد متمرکز شد. در واقع در پایان دهه ۱۹۶۰، کشف تقلب از مسئولیت‌های مفروض حساب‌برسان تلقی نمی‌شد و گفته می‌شد حساب‌برسان وظیفه جست و جوی تقلب را ندارند و روش‌های حسابرسی به طور مشخص برای کشف تقلب قابل اتکا نیست. انکار مطلق مسئولیت حساب‌برسان نسبت به کشف تقلب به کمک نشریات حرفه‌ای آن زمان به صراحت مطرح می‌شد.
۴. در سال‌های بعد از ۱۹۸۰، انکار مسئولیت کشف تقلب توسط حرفه حسابرسی، بروز تقلب‌های عمده‌ای را به دنبال داشت که حساب‌برسان موفق به کشف آن‌ها نشده بودند. بعد از سال ۱۹۸۰ اولین انتقادات نسبت به این تغییر هدف حسابرسی به وجود آمد. نظریه پردازان معتقد بودند که حساب‌برسان تنها به دنبال حمایت از منافع حرفه حسابرسی هستند تا این که تعهدات عمومی خود را نسبت به جامعه دنبال کنند. آن‌ها معتقد بودند در طول ۴۰۰ سال، کشف تقلب، هدف حسابرسی بوده است و این تغییر هدف، به دلیل تغییر در تقاضای مشتریان مؤسسات حسابرسی نیست، بلکه حرفه فقط به دنبال کاهش مسئولیت حساب‌برسان است. در سایه نقدهای فراوان که بیش‌تر تحت تأثیر افزایش حجم و تعداد تقلبات در شرکت‌ها بود، روشن شد که به عهده نگرفتن مسئولیت کشف تقلب توسط حساب‌برسان دوام یافتنی نیست. بدین ترتیب در طرز تفکر صاحب‌نظران حرفه حسابرسی در مورد امر تقلب به تدریج تغییراتی به وجود آمد و ادبیات حرفه بدین شکل تعدیل شد که حسابرسی انجام شده باید به گونه‌ای انجام شود که از نبود تقلب با اهمیت در صورت‌های مالی، اطمینانی معقول به دست آید.

۵. با وجود افزایش نسبی مسئولیت حسابرسان نسبت به دوره‌های قبل، با شروع قرن ۲۱، شرایط بحرانی تر شد. سقوط پی در پی شرکت‌های بزرگ از جمله انرون (۲۰۰۱)، وردکام (۲۰۰۲)، سان بیم (۲۰۰۳)، آدلفیا (۲۰۰۵)، لمن برادرز (۲۰۰۸) و... در این سال‌ها کیفیت حسابرسی‌ها را زیر سؤال برده و بحران عدم اعتماد را برای حرفه حسابرسی به وجود آورد. بدین ترتیب بعد از سال ۲۰۰۰ حرفه حسابرسی با تهدید و چالشی جدی مواجه شد و نیاز بود که بار دیگر مسئولیت حسابرسان نسبت به کشف تقلب تغییرات جدی نماید. اما یکی از مهم‌ترین تحولاتی که پایه‌های آن از سال‌های قبل شروع شده بود و در ابتدای این دوران رسمیت یافت، پیدایش نوعی از حسابرسی به نام «حسابرسی تقلب» بود. تا پیش از این دوران، کتاب‌های مختلفی در زمینه حسابرسی تقلب تدوین شد که چندان مورد استقبال قرار نمی‌گرفت. اما با هجوم دعاوی حقوقی که بر علیه حسابرسان مطرح شد، حسابرسی تقلب مورد توجه جدی صاحب نظران رشته حسابرسی قرار گرفت و در حال حاضر به عنوان یکی از دروس اصلی حسابرسی در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود. به طور کلی از این دوران به بعد دیدگاه و عملکرد حرفه بار دیگر تغییر کرد و با شدت بیش تری به سمت افزایش مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب در حرکت است. هر چند که این رویکرد به کندی پیش می‌رود و هنوز با دیدگاه قبل از سال ۱۹۲۰ که هدف اصلی حسابرسی را کشف تقلب می‌دانست فاصله داریم، اما هیچ شکی نیست که حرفه حسابرسی چنین رویکردی داشته و این امر برای حفظ اعتبار حرفه نزد جامعه الزامی است.

بدین منظور در این تحقیق به دنبال ارزیابی عکس‌العمل حسابرسان رسمی در برخورد با شرایط خطر تحریف با اهمیت در تعدیل فرایند و برنامه حسابرسی می‌باشیم که این تعدیل شامل تغییر در محتوا، میزان و زمان‌بندی انجام آزمون‌ها، تغییر در اعضای تیم حسابرسی می‌باشد در نتیجه تحقیق حاضر به دنبال پاسخی علمی و درخور توجه به این سؤال است که عکس‌العمل حسابرسان برای تعدیل برنامه حسابرسی در برخورد با عوامل خطر تقلب چگونه است؟

۷- عوامل خطر تقلب

در این تحقیق عوامل خطر تقلبی که مورد استفاده و ارزیابی قرار گرفته، مطابق تحقیق عبداللطیف (۲۰۱۳) است که شامل:

- ۱- اعضای مدیریت واحد مورد رسیدگی در نقض قوانین و یا اتهام به تقلب، سابقه دارند.
- ۲- مدیریت واحد مورد رسیدگی تحت نفوذ یک فرد و یا افراد محدودی است که قادر هستند کنترل‌های داخلی را نادیده بگیرند.
- ۳- سیستم اطلاعاتی حسابداری و کنترل‌های داخلی ضعیف و غیر کارا می‌باشد.
- ۴- مدیریت واحد مورد رسیدگی برای حسابرسی مستقل محدودیت ایجاد می‌کند و شواهد مورد نیاز حسابرس را در اختیار قرار نمی‌دهد.
- ۵- مدیریت واحد مورد رسیدگی دستیابی به اهداف دشواری مربوط به سود، قیمت سهام و سهم از بازار اصرار دارد.

- ۶- نظارت هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به کنترل‌های داخلی و گزارش مالی واحد مورد رسیدگی ضعیف و ناکاراست.
- ۷- معاملات تجاری واحد مورد رسیدگی پیچیده و در برگیرنده رفتارهای حسابداری پیچیده و غیر واضح است.
- ۸- پاداش مدیران اجرایی واحد مورد رسیدگی بستگی به دستیابی به یک سود عملیاتی دشوار و یا یک قیمت برای سهام دارد.
- ۹- گزارشگری مالی واحد مورد رسیدگی شامل سطح بالایی از برآوردها و قضاوت‌های شخصی است.
- ۱۰- واحد مورد رسیدگی تعداد زیادی معامله مهم که مربوط به فعالیت تجاری عادی خود نیست، را داراست.
- ۱۱- مدیریت واحد مورد رسیدگی توجهی به رعایت ارزش‌های اخلاقی ندارد و اهمیت ارزش‌های اخلاقی را به کارکنان گوش‌زد نمی‌کند.
- ۱۲- معاملات تجاری واحد مورد رسیدگی پیچیده و نیازمند عملیات حسابداری پیچیده و غیر واضح است.
- ۱۳- واحد مورد رسیدگی با جریان‌های نقدی عملیاتی منفی بالقوه‌ای روبرو است که تداوم فعالیت آتی را تهدید می‌کند.
- ۱۴- اعضای مدیران اجرایی واحد مورد رسیدگی مالک قسمت عمده‌ای از سهام شرکت می‌باشند.
- ۱۵- واحد مورد رسیدگی با رقابت بالایی در بازار و کاهش از سهم بازار، روبرو است.
- ۱۶- واحد مورد رسیدگی برای رعایت الزامات بازارهای مالی که سهامش در آن پذیرفته شده است با مشکل مواجه است.
- ۱۷- واحد مورد رسیدگی در مواجهه با شرایط قرار دادهای بدهی مربوط به ارقام و نسبت‌های مالی با مشکل روبرو است.
- ۱۸- مدیریت واحد مورد رسیدگی در اختلافات مربوط به گزارشگری مالی با حسابرس مستقل همکاری نمی‌کند.
- ۱۹- واحد مورد رسیدگی معاملات با ارزش و قابل توجهی با اشخاص وابسته دارد.
- ۲۰- واحد مورد رسیدگی در رسیدن به پیش‌بینی‌های منتشر شده خود در مورد سود، قیمت سهام و ارزش شرکت با مشکل روبروست.

۸- پیشینه تحقیق

تحقیقات خارجی

عبداللطیف^{۱۹} (۲۰۱۳) در تحقیق با عنوان تأثیر عوامل خطر تقلب بر تعدیل فرایند حسابرسی، به بررسی نحوه شناسایی خطر تقلب، اهمیت عوامل خطر تقلب و عکس العمل حسابرسان نسبت به وجود عوامل خطر تقلب و در پی آن تعدیل فرایند حسابرسی، پرداخت و نتایج تحقیق آن حاکی از آن است که اهمیت تعدیل فرایند حسابرسی بستگی به اهمیت عوامل خطر تقلب موجود دارد و مهم‌ترین عوامل خطر تقلب مربوط به ویژگی‌های مدیریتی و کم اهمیت‌ترین عوامل خطر تقلب مربوط به اشکال در صورت‌های مالی می‌باشد و نتایج تجزیه و تحلیل عاملی، عوامل خطر تقلب را در چهار طبقه شامل تغییر در ماهیت، میزان، زمان‌بندی و تغییر در تیم حسابرسی، دسته بندی می‌کند. هافمن و زیمبلمن^{۲۰} (۲۰۰۹) در یافتند که برای کنترل ریسک تقلب بالا، هم دلایل استراتژیک وهم هدایت طوفان فکری به سمت تعدیل اثربخش روش‌های استاندارد حسابرسی تمایل دارند. کارپنتر^{۲۱} (۲۰۰۷) در یک تحقیق اثرات استاندارد شماره ۹۹ را بررسی کرد و دریافت که طوفان فکری گروهی تیم حسابرسی برای بهبود کیفیت ایده‌ها جهت برخورد با تقلب‌ها و برخورد با افزایش در ارزیابی خطر تقلب، مفید است.

اسنیسن و کیزیرین^{۲۲} (۲۰۰۷) رابطه بین ارزیابی اولیه حسابرسان از خطر تقلب و ریسک تداوم فعالیت و برنامه ریزی حسابرسی و عملکرد حسابرسی را ارزیابی کردند. آن‌ها دریافتند که خطر تقلب قابلیت اطمینان شواهد حسابرسی جمع آوری شده و نتایج بعدی جمع آوری شواهد را افزایش می‌دهد. بنابراین نتایج باعث انتقال تلاش حسابرس می‌شود اما زمان صرف شده کلی را افزایش نمی‌دهد. (عبداللطیف، ۲۰۱۳).

مک و ترنر^{۲۳} (۲۰۰۵) شواهدی پس از انتشار استاندارد حسابرسی بین المللی شماره ۸۲ ارائه کردند که حسابرسان بیشتر ریسک پذیر می‌شوند و اینکه قضاوت‌های آن‌ها شامل تعدیل در محتوا، میزان، ماهیت و زمان‌بندی انجام روش‌های حسابرسی می‌شود. همچنین ممکن است از تیم‌های حسابرسی با تجربه تر استفاده کنند. آن‌ها دریافتند که تعدیل برنامه حسابرسی، با تعداد و نوع عوامل خطر و ریسک کلی واحد مورد رسیدگی مرتبط می‌باشد.

آسار و رایت^{۲۴} (۲۰۰۴) دریافتند که حسابرسان از برنامه‌های حسابرسی استاندارد و چک لیست‌های استاندارد خطر که اثربخشی پایینی دارند در طراحی برنامه‌ها برای برخورد با تقلب استفاده می‌کنند و آن‌ها تمایل کمتری به مشورت با کارشناسان تقلب دارند.

19- Abdullatif

20- Hoffman and Zimbelman

21- Carpenter

22- Sneathen and Kizirian

23- Mock and turner

24- Asare and Wright

گلوور و همکاران^{۲۵} (۲۰۰۳) دریافتند که حسابرسان حساسیت بیشتری به عوامل خطر تقلب بعد از انتشار استاندارد شماره ۸۲ دارند اما تعدیل در برنامه حسابرسی با افزایش در میزان آزمون‌های حسابرسی به جای تغییر در ماهیت آزمون‌ها انجام می‌شود. مکاوی و اسپچک^{۲۶} (۲۰۰۳) نیز دریافتند حسابرسان در مواجهه با عوامل خطر تقلب، میزان آزمون‌های حسابرسی را افزایش می‌دهند. گراهام و بدارد^{۲۷} (۲۰۰۳) با ارزیابی حسابرسان پنج موسسه بزرگ حسابرسی دریافتند که واحدهای مورد رسیدگی معمولاً یک یا تعداد زیادی عوامل خطر تقلب را دارا است که ناشی از، شرایط صنعت، درستکاری مدیریت، کیفیت کنترل‌های داخلی و شرایط مالی است. همچنین دریافتند که ماهیت آزمون‌های حسابرسی طراحی شده با تغییر در نوع عوامل خطر تقلب تغییر می‌کند. شلتون، ولینگتون و لندسیتل^{۲۸} (۲۰۰۱) اختلاف میان مؤسسات را در زمان‌بندی و روش‌های ارزیابی ریسک تقلب، بررسی کردند. همچنین نشان دادند که همه مؤسسات در مورد پاسخ به ریسک تقلب رهنمودهایی دارند که شامل، تعدیل در ماهیت، محتوا و میزان روش‌های حسابرسی مرتبط با الزامات استاندارد شماره ۸۲، است.

زیمبلمن^{۲۹} (۱۹۹۷) نشان داد که ارزیابی جداگانه عوامل ریسک تقلب بر توجه به نشانه‌های تقلب و تصمیم‌گیری برنامه ریزی حسابرسی، تأثیرگذار است. همچنین دریافت که عوامل ریسک تقلب بر برنامه‌های حسابرسی با تخصیص ساعات بیشتری، به جای تغییر در ماهیت این برنامه‌ها، اثر گذار است.

تحقیقات داخلی

در ایران پژوهشی در راستای موضوع این تحقیق صورت نگرفته است، به چند نمونه تحقیقات مشابه باموضوع اشاره می‌کنیم:

پورحیدری و بذ افشان (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی اثر ویژگی‌های فردی حسابرسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب پرداختند. نتایج بررسی نشان داد که جنسیت، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و میزان تجربه حسابرسان تأثیر چندانی در تعیین میزان اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد. علاوه بر این، تأثیر ویژگی‌های فردی اشخاص در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای خطر تقلب (نظیر ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی، وضعیت صنعت، ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی و سوء استفاده از دارایی‌ها) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که جنسیت، تنها در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به گروه‌های «ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی» و «ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی» اثر معناداری دارد، اما رشته تحصیلی، سطح

25- Glover et al.

26- Makkawi and Schick

27- Graham and Bedard

28- Shelton, Whittington and Landsittel

29- Zimbelman

تحصیلات و تجربه، در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر هیچ یک از چهار گروه دیگر، اثر معناداری ندارد.

صفرزاده (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی با استفاده از تحلیل لاجیت به بررسی نقش داده‌های حسابداری در ایجاد یک الگو برای کشف عوامل مرتبط با تقلب در گزارشگری مالی پرداخت. نتایج تحقیق بیانگر این است که با استفاده از تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی می‌توان به کشف تقلب در گزارشگری مالی اقدام نمود.

بولو و صادقی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر تصمیمات حسابرسان مستقل در استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری در ارزیابی تقلب مدیریت پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر این است که سودمندی تصمیم، فشار متابعت، اندازه شرکت، اعتماد به نفس و اتکا بر خروجی راهنمای تصمیم به ترتیب مهم‌ترین عوامل استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری توسط حسابرسان است. و همچنین متغیر سودمندی تصمیم بیشترین تأثیر برای استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری توسط حسابرسان در ارزیابی خطر تقلب مدیریت را دارد.

حامدیان (۱۳۸۸) به بررسی تفاوت برداشت حسابرسان داخلی و مستقل در خصوص کارایی ۳۶ علامت خطر استاندارد شماره ۹۹ برای کشف گزارشگری مالی متقلبانه پرداخت. نتایج نشان داد که تجربه کاری، شرکت در سمینارها، آموزش درون سازمانی، جنسیت و رشته تحصیلی در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب استاندارد شماره ۹۹ آمریکا اثر معناداری ندارد، اما عواملی مانند آشنایی با علایم خطر تقلب و سطح تحصیلات اثر معناداری بر تعیین بسترهای خطر تقلب توسط حسابرسان مستقل دارد.

□ ۱۰- روش تحقیق

در این پژوهش به منظور بررسی ادبیات موضوعی و همچنین تحقیقات انجام شده از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. در این روش مقالات مورد مطالعه گردید و با ذکر منبع در پژوهش از بررسی‌های آنان استفاده شده است ابزار تحقیق و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات، هر یک برای وضعیت خاصی مناسب است. به هر حال یکی از متداول‌ترین طرق جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از پرسشنامه است. به منظور بررسی نظرات حسابداران رسمی از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است که روایی آن از طریق تأیید اساتید خبره حسابرسی و پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ ۸۶ درصد محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. از اینرو، پس از توزیع پرسشنامه و استخراج یافته‌ها، از آمارتوصیفی به منظور تعیین فراوانی اطلاعات عمومی استفاده گردید. به منظور تحلیل داده‌ها، پس از گردآوری و سازماندهی داده‌ها که بر اساس مقیاس لیکرت ارزش‌گذاری شده است اطلاعات طبقه‌بندی گردید و آزمون تحلیل عاملی، برای طبقه‌بندی عوامل خطر تقلب استفاده شد.

۱۱- جامعه و نمونه آماری

گام اول در نمونه گیری تعریف جامعه مورد نظر می‌باشد. شرکت کنندگان در پژوهش حاضر یا به عبارت دیگر جامعه آماری تحقیق، حسابداران رسمی سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی می‌باشد. دلیل انتخاب آن‌ها به عنوان جامعه مورد بررسی تحقیق حاضر به این جهت می‌باشد که اولاً عضویت فعال در جامعه حسابداران رسمی دارند که همسو با تحقیق مورد نظر می‌باشد و ثانیاً آن‌ها جهت دستیابی به این رتبه (عضویت در جامعه حسابداران رسمی) نیازمند احراز شرایط خاصی از جمله موفقیت در آزمون حسابدار رسمی و دارا بودن سابقه حرفه‌ای می‌باشند. برای دسترسی به افراد فوق به محل کارشان مراجعه گردید.

در زمان نگارش این پژوهش (آذر ۱۳۹۲) در سازمان حسابرسی ۲۲۶ نفر و در مؤسسات حسابرسی ۱۰۲۹ نفر حسابدار رسمی شاغل وجود داشت.

حجم نمونه با استفاده از فرمول ککران، به شرح زیر محاسبه شده است (خلیلی شورینی، ۱۳۸۹):

$$n = \frac{Nz_{\alpha/2}^2 pQ}{Nd^2 + z_{\alpha/2}^2 pQ}$$

در این فرمول N برابر حجم جامعه و n برابر حجم نمونه در هر بخش است. سایر اجزای فرمول به شرح زیر است:

d : خطای مطلق است که برابر $0/1$ در نظر گرفته می‌شود.

p : نسبت برابر $0/5$ در نظر گرفته می‌شود تا اندازه ماکسیمم به دست آید.

$q = 1 - p$: که در این جا برابر $0/5$ است.

$z_{\alpha/2}$: صدک $100 * (1 - \alpha/2)$ توزیع نرمال استاندارد که در این جا برابر $1/96$ است، یعنی صدک

نود و پنجم از توزیع نرمال استاندارد.

حجم نمونه با توجه با فرمول بالا تعداد ۸۹ نفر است که به شرح زیر محاسبه شده است:

$$n = \frac{1255 \times (1/96)^2 \times 0/25}{1255 \times (0/1)^2 + (1/96)^2 \times 0/25} \approx 89$$

بدین منظور جهت پوشش دادن احتمال عدم برگشت پرسش نامه‌ها و یا غیر قابل تجزیه و تحلیل بودن آن‌ها تعداد ۱۱۰ پرسش نامه توزیع گردید و از این تعداد، ۹۵ پرسش نامه برگشت داده شد و بعد از بررسی آن‌ها و حذف پرسش نامه‌های ناقص، تجزیه و تحلیل براساس ۸۹ مورد از آن‌ها انجام شد.

۱۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل شامل آمار توصیفی و آمار استنباطی می‌باشد که به شرح زیر است. نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی که در جدول ۱ تا ۴ منعکس شده است حاکی از آن است که ۴۱ درصد از پاسخ دهندگان بیش از ۴۲ سال سن دارند، ۴۶ درصد از آن‌ها بیش از ۲۰ سال در حرفه حسابرسی مشغول به فعالیت هستند و ۵۱ درصد از آن‌ها دارای مدرک کارشناسی هستند همچنین ۳۹ درصد پاسخ دهندگان دارای رده شغلی مدیر، هستند.

جدول ۱- توزیع سنی پاسخ دهندگان

سطح تحصیلات	تعداد	درصد
دکتری کارشناسی ارشد کارشناسی	۱	٪۱
	۴۱	٪۴۶
	۴۷	٪۵۳
جمع	۸۹	٪۱۰۰

جدول ۲- سطح تحصیلات پاسخ دهندگان

سن	تعداد	درصد
بین ۲۵-۳۵ سال	۲۱	٪۲۳
بین ۳۵-۴۲ سال	۳۲	٪۳۶
بیش از ۴۲ سال	۳۶	٪۴۱
جمع	۸۹	٪۱۰۰

جدول ۳- تجربه حرفه ای پاسخ دهندگان جدول

رده شغلی	تعداد	درصد
حسابرس ارشد	۱۹	٪۲۱
سرپرست	۲۱	٪۲۴
سرپرست ارشد	۱۴	٪۱۶
مدیر	۳۵	٪۳۹
جمع	۸۹	٪۱۰۰

۴- رده شغلی پاسخ دهندگان

میزان سابقه	تعداد	درصد
بین ۶-۱۰ سال	۲۸	٪۳۱
بین ۱۱-۱۵ سال	۹	٪۱۰
بین ۱۶-۲۰ سال	۱۱	٪۱۳
بیشتر از ۲۰ سال	۴۱	٪۴۶
جمع	۸۹	٪۱۰۰

آمار استنباطی: که شامل آزمون تحلیل عاملی است.

جدول ۵ - رتبه بندی عوامل خطر تقلب بر اساس میزان اهمیت

ردیف	عوامل خطر تقلب	میانگین پاسخ‌ها
۱	اعضای مدیریت واحد مورد رسیدگی در نقض قوانین و یا اتهام به تقلب، سابقه دارند.	۱.۸۵
۲	مدیریت واحد مورد رسیدگی دستیابی به اهداف دشواری مربوط به سود، قیمت سهام و سهم از بازار اصرار دارد.	۱.۹
۳	سیستم اطلاعاتی حسابداری و کنترل‌های داخلی ضعیف و غیر کارا می‌باشد.	۱.۹۵
۴	مدیریت واحد مورد رسیدگی تحت نفوذ یک فرد و یا افراد محدودی است که قادر هستند کنترل‌های داخلی را نادیده بگیرند.	۲.۰۵
۵	واحد مورد رسیدگی معاملات با ارزش و قابل توجهی با اشخاص وابسته دارد.	۲.۲
۶	مدیریت واحد مورد رسیدگی برای حسابرسی مستقل محدودیت ایجاد می‌کند و شواهد مورد نیاز حسابرسان را در اختیار قرار نمی‌دهد.	۲.۲۵
۷	نظارت هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به کنترل‌های داخلی و گزارش مالی واحد مورد رسیدگی ضعیف و ناکاراست.	۲.۳
۸	معاملات تجاری واحد مورد رسیدگی پیچیده و در بر گیرنده رفتارهای حسابداری پیچیده و غیر واضح است.	۲.۴
۹	واحد مورد رسیدگی در رسیدن به پیش بینی‌های منتشر شده خود در مورد سود، قیمت سهام و ارزش شرکت با مشکل روبروست.	۲.۴۵
۱۰	پاداش مدیران اجرایی واحد مورد رسیدگی بستگی به دستیابی به یک سود عملیاتی دشوار و یا یک قیمت برای سهام دارد.	۲.۴۶
۱۱	واحد مورد رسیدگی تعداد زیادی معامله مهم که مربوط به فعالیت تجاری عادی خود نیست، را داراست.	۲.۴۸
۱۲	مدیریت واحد مورد رسیدگی توجهی به رعایت ارزش‌های اخلاقی ندارد و اهمیت ارزش‌های اخلاقی را به کارکنان گوش‌زد نمی‌کند.	۲.۵
۱۳	معاملات تجاری واحد مورد رسیدگی پیچیده و نیازمند عملیات حسابداری پیچیده و غیر واضح است.	۲.۷
۱۴	مدیریت واحد مورد رسیدگی در اختلافات مربوط به گزارشگری مالی با حسابرسان مستقل همکاری نمی‌کند.	۲.۷۵
۱۵	واحد مورد رسیدگی با جریان‌های نقدی عملیاتی منفی بالقوه‌ای روبرو است که تداوم فعالیت آتی را تهدید می‌کند.	۲.۷۵
۱۶	گزارشگری مالی واحد مورد رسیدگی شامل سطح بالایی از برآوردها و قضاوت‌های شخصی است.	۲.۸
۱۷	اعضای مدیران اجرایی واحد مورد رسیدگی مالک قسمت عمده‌ای از سهام شرکت می‌باشند.	۲.۸
۱۸	واحد مورد رسیدگی با رقابت بالایی در بازار و کاهش از سهم بازار، روبرو است.	۲.۸۴
۱۹	واحد مورد رسیدگی برای رعایت الزامات بازارهای مالی که سهامش در آن پذیرفته شده است با مشکل مواجه است.	۲.۸۵
۲۰	واحد مورد رسیدگی در مواجهه با شرایط قرار دادهای بدهی مربوط به ارقام و نسبت‌های مالی با مشکل روبرو است.	۲.۹

با توجه به جدول ۵، همان‌طور که مشاهده می‌شود مهم‌ترین عوامل خطر تقلب با توجه به اینکه پاسخ‌ها از کاملاً موافق به کاملاً مخالف، با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای می‌باشد و به صورت اعداد ۱ الی

۵ کمی شده‌اند مربوط به ویژگی‌های مدیریت می‌باشد و کم اهمیت‌ترین عوامل خطر تقلب مربوط به شرایط مالی و شرایط تأمین مالی می‌باشد.

جدول ۶- نتایج تأثیر عوامل خطر تقلب بر تعدیل گزارش حسابرسی

تغییر در تیم حسابرسی	تغییر در زمان‌بندی روش‌های حسابرسی	تغییر در ماهیت روش‌های حسابرسی	افزایش تعداد روش‌های حسابرسی	عوامل خطر تقلب
.۳۴۷	.۰۹۰	-۰.۴۷۷	.۴۸۳	عامل ۱
.۳۹۹	.۱۳۰	.۷۱۵	.۰۸۲	عامل ۲
.۸۰۲	.۰۱۳	.۱۲۵	-۰.۰۶۴	عامل ۳
.۳۸۳	.۰۴۶	.۷۴۹	-۰.۰۲۰	عامل ۴
.۰۹۲	-۰.۱۸۷	-۰.۰۸۸	.۷۹۵	عامل ۵
.۵۲۹	.۰۲۷	.۴۲۶	-۰.۱۳۰	عامل ۶
.۲۷۶	.۶۰۵	.۴۴۸	-۰.۱۴۹	عامل ۷
-۰.۰۲۶	.۸۱۶	-۰.۲۵۳	-۰.۱۳۵	عامل ۸
.۱۷۶	.۵۸۶	.۲۱۰	.۱۵۱	عامل ۹
.۱۳۰	.۶۲۰	.۲۹۵	.۱۹۵	عامل ۱۰
.۴۴۳	-۰.۴۳۹	.۲۶۹	.۵۰۳	عامل ۱۱
.۷۷۴	.۳۰۶	.۲۲۳	-۰.۰۰۱	عامل ۱۲
-۰.۰۷۰	.۵۲۸	.۵۲۷	.۰۱۷	عامل ۱۳
.۰۳۹	.۰۹۷	.۶۳۴	.۳۵۳	عامل ۱۴
.۲۸۲	.۱۳۱	.۲۴۶	.۴۴۵	عامل ۱۵
-۰.۱۲۴	.۰۶۰	-۰.۱۶۸	.۸۴۰	عامل ۱۶
.۰۵۴	-۰.۰۱۲	-۰.۰۰۶	.۸۶۱	عامل ۱۷
.۵۴۷	.۵۳۶	-۰.۱۴۷	.۱۰۴	عامل ۱۸
-۰.۱۳۵	.۲۳۲	.۱۷۲	.۶۸۷	عامل ۱۹
-۰.۱۹۲	.۰۲۶	.۲۹۹	.۷۵۸	عامل ۲۰
%۲۰	%۲۵	%۱۵	%۴۰	میزان نهایی تأثیر

همان طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، عوامل خطر تقلب (اعضای مدیریت واحد مورد رسیدگی در نقض قوانین و یا اتهام به تقلب، سابقه دارند، واحد مورد رسیدگی معاملات با ارزش و قابل توجهی با اشخاص وابسته دارد، واحد مورد رسیدگی تعداد زیادی معامله مهم که مربوط به فعالیت تجاری عادی خود نیست، را داراست، واحد مورد رسیدگی با جریان‌های نقدی عملیاتی منفی

بالمقوله‌ای روبرو است که تداوم فعالیت آتی را تهدید می‌کند، گزارشگری مالی واحد مورد رسیدگی شامل سطح بالایی از برآوردها و قضاوت‌های شخصی است، اعضای مدیران اجرایی واحد مورد رسیدگی مالک قسمت عمده‌ای از سهام شرکت می‌باشند، واحد مورد رسیدگی برای رعایت الزامات بازارهای مالی که سهامش در آن پذیرفته شده است با مشکل مواجه است، واحد مورد رسیدگی در مواجهه با شرایط قرار دادهای بدهی مربوط به ارقام و نسبت‌های مالی با مشکل روبرو است) اغلب (حدود ۴۰ درصد از) مواقع منجر به افزایش تعداد روش‌های حسابداری می‌شود و در موارد کمی (حدود ۱۵ درصد)، عوامل خطر تقلب (مدیریت واحد مورد رسیدگی دستیابی به اهداف دشواری مربوط به سود، قیمت سهام و سهم از بازار اصرار دارد، مدیریت واحد مورد رسیدگی تحت نفوذ یک فرد و یا افراد محدودی است که قادر هستند کنترل‌های داخلی را نادیده بگیرند، مدیریت واحد مورد رسیدگی در اختلافات مربوط به گزارشگری مالی با حسابرس مستقل همکاری نمی‌کند) منجر به تغییر در ماهیت روش‌های حسابداری می‌شوند.

۱۳- بحث و نتیجه گیری

تقلب در گزارشگری و حسابداری مالی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. با بروز بحران مالی در شرکت‌هایی همچون انرون، گلوبال کراسینگ و ورلدکام، در عرصه بین الملل و تخلفات مالی بزرگ اخیر در داخل کشور، مسئله تقلب در گزارشگری مالی وارد عرصه سیاست نیز شده است. امروزه مجامع قانون‌گذار، حرفه حسابداری و مدیریت به علل ایجاد تقلب و راه‌های موجود به منظور جلوگیری از وقوع رفتار متقلبانه در گزارشگری مالی توجه خاصی کرده‌اند. به رغم تحقیقات متعدد خارجی در خصوص کشف تقلب در گزارش‌های مالی و تأثیر وجود عوامل خطر تقلب بر تعدیل فرایند حسابداری، در داخل کشور به این موضوع توجه زیادی نشده است. مسئله گزارشگری مالی متقلبانه در ایران از اهمیتی ویژه برخوردار است. افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که به منظور جذب منابع مالی به انتشار اوراق بهادار اقدام می‌کنند، تلاش به منظور کاهش مالیات بر سود و... از جمله دلایل اهمیت موضوع است؛ لذا با توجه به اهمیت تقلب در گزارشگری مالی در جهت تأثیر بر تعدیل فرایند حسابداری، تصمیم بر آن شد تا به بررسی این مسئله پرداخته شود. بنابراین ۲۰ مورد از عوامل خطر تقلب، مطابق با تحقیق عبداللطیف (۲۰۱۳)، مورد بررسی قرار گرفت و اثر آن‌ها بر تعدیل فرایند حسابداری که شامل تغییر در محتوا، میزان و زمان‌بندی انجام آزمون‌ها، تغییر در اعضای تیم حسابداری می‌باشد، بررسی شده است. و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با اهمیت‌ترین عوامل خطر تقلب مربوط به ویژگی‌های مدیریت می‌باشد و کم اهمیت‌ترین آن‌ها مربوط به مسائل مالی و تأمین مالی شرکت می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل خطر تقلب در بیشتر مواقع منجر به افزایش تعداد روش‌های حسابداری می‌شود و در مواقع محدودی منجر به تغییر در ماهیت و محتوای روش‌های حسابداری می‌شود.

جدول ۷- همسویی نتایج تحقیق با تحقیقات دیگر

همسویی یا عدم همسویی	یافته‌های تحقیق	پژوهشگران
طبقه بندی عوامل خطر تقلب در تحقیق حاضر مطابق با این پژوهش می‌باشد.	عوامل خطر تقلب را در چهار دسته (عوامل مربوط به تغییر در ماهیت، زمان بندی، میزان روش‌های حسابرسی و تغییر در تیم حسابرسی) طبقه بندی کرد.	عبداللطیف (۲۰۱۳)
با تحقیق حاضر همسو است.	وجود عوامل خطر تقلب باعث افزایش تلاش حسابرس در عوض تغییر در زمان بندی روش‌های حسابرسی می‌شود.	اسنيسن و کیزیرين (۲۰۰۷)
در تحقیق حاضر تغییر در میزان روش‌های حسابرسی نسبت به تغییر در ماهیت و زمان بندی در اولویت قرار دارد.	وجود عوامل خطر تقلب باعث تغییر در ماهیت، میزان و زمان بندی روش‌های حسابرسی می‌شود.	مک و ترنر (۲۰۰۵)
با تحقیق حاضر همسو است.	وجود عوامل خطر تقلب باعث افزایش آزمون‌ها در عوض تغییر در ماهیت آزمون‌ها می‌شود	گلور و همکاران (۲۰۰۳)
در تحقیق حاضر تغییر در ماهیت آزمون در اولویت دوم قرار دارد.	وجود عوامل خطر تقلب باعث تغییر در ماهیت آزمون‌ها می‌شود.	گراهام و بدارد (۲۰۰۳)
این تحقیق با تحقیق حاضر همسویی دارد.	وجود عوامل خطر تقلب باعث افزایش در میزان آزمون‌های حسابرسی می‌شود.	مکاوای و اسپچک (۲۰۰۳)
در تحقیق حاضر تغییر در میزان روش‌های حسابرسی نسبت به تغییر در ماهیت و زمان بندی در اولویت قرار دارد.	وجود عوامل خطر تقلب باعث تغییر در ماهیت، محتوا و میزان روش‌های حسابرسی می‌شود.	شلتون و همکاران (۲۰۰۱)
تحقیق زیمیلمن تغییر در زمان بندی در اولویت است ولی در تحقیق حاضر تغییر در میزان روش‌های حسابرسی در اولویت قرار دارد.	وجود عوامل خطر تقلب باعث تغییر در زمان بندی در عوض تغییر در محتوای روش‌های حسابرسی می‌شود.	زیمیلمن (۱۹۹۷)

پیشنهادات کاربردی

✓ مؤسسات حسابرسی برنامه‌ای مشخص برای مواجهه با عوامل خطر تقلب که شامل تغییر در ماهیت، زمان بندی و میزان آزمون‌های حسابرسی است، تدوین کنند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی:

- ✓ اثر عوامل خطر تقلب بر کیفیت حسابرسی، سنجیده شود.
- ✓ بررسی رابطه بین وجود عوامل خطر تقلب و تغییر حسابرسان، سنجیده شود.
- ✓ اثر عوامل خطر تقلب بر حق الزحمه حسابرسی سنجیده شود.

□ محدودیت‌های تحقیق

- ✓ عدم تکمیل پرسشنامه توسط پاسخ دهندگان
- ✓ عدم برداشت یکسان از سؤالات پرسشنامه
- ✓ پراکندگی زیاد اعضای جامعه

□ منابع فارسی

- ۱- آذر، عادل و مؤمنی، منصور، ۱۳۷۸، آمار و کاربرد آن در مدیریت، (جلد اول و دوم)
- ۲- ادهمی، کریم و خواجوی، حسین، (۱۳۹۰)، «تقلب و حسابداری تقلب»، حسابدار رسمی، شماره ۱۵
- ۳- استانداردهای حسابداری، بخش ۲۴۰، مسئولیت حسابداری در ارتباط با تقلب و اشتباه در حسابداری صورت‌های مالی، (تجدیدنظر شده ۱۳۸۴)
- ۴- بولو، قاسم و صادقی، پیمان، (۱۳۸۸)، «آزمون عوامل مؤثر بر تصمیمات حسابرسان مستقل در استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری در ارزیابی تقلب مدیریت»، مطالعات حسابداری، شماره ۲۲
- ۵- پورحیدری، امید و بذرافشان، سعید، (۱۳۹۱)، «بررسی اثر ویژگی‌های فردی حسابرسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب»، پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۱
- ۶- حامدیان، حامد، (۱۳۸۸)، «برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارش‌های مالی متقلبانه»، تحقیقات حسابداری، شماره سوم
- ۷- خانی، عبدالله، (۱۳۸۶)، «فعالیت‌های تقلب آمیز و آینده حرفه حسابداران رسمی»، حسابرس، شماره ۳۸
- ۸- خلیلی شورینی، سیاوش، (۱۳۸۹)، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران، یادواره کتاب، چاپ اول
- ۹- راموس، میثائل، (۲۰۰۳)، «مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب»، (ترجمه قاسم بولو)، حسابرس، شماره ۲۰، ۱۳۸۲
- ۱۰- ریتنبرگ، لاری و شوایگر، برادلی، (۲۰۰۵)، «حسابرسی تقلب»، (ترجمه امیر پوریا نسب)، حسابدار رسمی، شماره ۵ سال ۱۳۸۴
- ۱۱- صفرزاده، محمد حسین، (۱۳۸۹)، «توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی»، دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱
- ۱۲- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و برواری، فرید، (۱۳۸۸)، «بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت)»، دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۶، سال پنجم
- ۱۳- وکیلی فرد، حمید رضا؛ جبارزاده کنگرلوئی؛ سعید و پوررضا سلطان احمدی، اکبر، (۱۳۸۸)، «بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی»، حسابدار، سال بیست و چهارم، شماره ۲۱۰

1. Abdullatif, M 2003, "Fraud Risk factors and audit programme modifications: evidence from Jordan", AABFJ | Volume 7, no. 1, 2013
2. Asare, S K & Wright, A M 2004, "The effectiveness of alternative risk assessment planning tools in a fraud setting", Contemporary Accounting Research, vol. 21, no. 2, pp325352-.
3. Association of Certified Fraud Examiners (ACFE) (2008). Report to the nation on occupational fraud and abuse, Austin, TX
4. Carpenter, T D 2007, "Audit team brainstorming, fraud risk identification, and fraud risk assessment: Implications of SAS no. 99", The Accounting Review, vol. 82, no. 5, pp1191140-.
5. Colbert, J. L. (2000), "International and US standards: error and fraud", Managerial Auditing Journal, Vol. 15 No. 3, pp. 97107-.
6. Glover, S M, Prawitt, D F, Schultz, J J & Zimbelman, M F 2003, "A test of changes in auditors fraud-related planning judgments since the issuance of SAS no. 82", Auditing: A Journal of Practice & Theory, vol. 22, no. 2, pp237251-.
7. Graham, L & Bedard, J C 2003, "Fraud risk and audit planning", International Journal of Auditing, vol. 7, no. 1, pp5570-.
8. Hoffman, V B & Zimbelman, M F 2009, "Do strategic reasoning and brainstorming help auditors change their standard audit procedures in response to fraud risk?", The Accounting Review, vol. 84, no. 3, pp811837-.
9. Makkawi, B & Schick, A 2003, "Are auditors sensitive enough to fraud?", Managerial Auditing Journal, vol. 18, no. 67/, pp. 591598-.
10. Mock, T J & Turner, J L 2005, "Auditor identification of fraud risk factors and their impact on audit programs", International Journal of Auditing, vol. 9, no. 1, pp5977-.
11. Saksena, P. N. (1997), An empirical analysis of the relationship between environmental factors and management fraud, unpublished doctoral dissertation", Georgia state university
12. Shaw, J. (1995), "Audit failure and regulatory overload", Accountancy, Vol. 115 No. 1219, pp. 823-
13. Shelton, S W, Whittington, O R & Landsittel, D. (2001), "Auditing firms fraud risk assessment practices", Accounting Horizons, vol. 15, no. 1, pp1933-.
14. Statement on Auditing Standards (SAS) 99, Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit: A New Auditing Standard, Auditing Standards Board, American Institute of Certified Public Accountants.
15. The American Accounting Association, A Statement of Basic Accounting Theory, (ASOBAT 1964) Auditing Journal, Vol. 20 Iss: 3 pp. 249 – 271
16. The Association of Certified Fraud Examiners (ACFE), Report to The Nation on Occupational Fraud and Abuse, Austin, tx, Author, 2002

17. Perols, Johan and Lougee, Barbara A. (2011)., "The Relation between Earnings Management and Financial Statement Fraud", *Advances in Accounting*, Vol27, Iss1, 3953-

18. Zimbelman, M F (1997), "The effects of SAS no. 82 on auditors' attention to fraud risk factors and audit planning decisions", *Journal of Accounting Research*, vol. 35, supplement, pp7597-

